

عبور خانوادگی از گذرگاه کوهستانی ! (گفت و گو با محمود صالحی و نجیبه صالح زاده)

اشاره:

این اواخر تقریباً تمام دنیا به کرات نام محمود صالحی را شنیده اند. محمود صالحی یک کارگر نانوايي است که برای رسیدن به حقوق و مطالبات کارگران و مزد بگیران ، سالیان زیادی از عمرش را در مبارزه گذرانده است. او اکنون تبدیل به یک شخصیت بارز و موثر در جنبش کارگری ایران شده است. آخرین بار به خاطر برگزاری مراسم اول ماه مه (روز جهانی کارگر) در شهر سقز ، مجبور به تحمل یک سال حبس در زندان سندانج شد. محمود با وجود اوضاع وخیم جسمی از این مرحله از مبارزه خود نیز سربلند بیرون آمد. در گفتگویی که با او و اعضای خانواده اش ترتیب دادیم ، محمود صالحی از باورها ، فعالیت ها ، مبارزات و تجربیات خود با ما سخن گفته است.

این گفتگو و این تجربیات برای تمام کارگران و مزد بگیران- معلمان و پرستاران و - شنیدنی و حاوی نکات مهمی است.

نجیبه صالح زاده - همسر محمود و به قول خودش هم‌رزم او- نیز در این گفتگو ما را همراهی کرده است. به دلیل ضیق وقت در تهیه متن این گفتگو موفق به انتشار صحبت های سامرند صالحی- فرزند محمود صالحی و نجیبه صالح زاده - نشدیم. که این مهم را در اولین فرصت انجام خواهیم داد.

لازم به ذکر است که اصل متن این مصاحبه نخست- و نیز به خاطر امکان رجوع به اصل متن گفتگو- در سایت رسمی کمیته دفاع از محمود صالحی درج شده است. نظرات خود را در این مورد می توانید با همین سایت در میان بگذارید.

مطالبی که زیر آنها خط کشیده شده است ، گفته های مصاحبه کنندگان است.

علیرضا عسگری- مجید ملکی- اردیبهشت

□□□□

- با سلام آقای محمود صالحی! بسیار خرسندیم که در خدمت شما هستیم. شما اخیراً بعد از تحمل یک سال

حبس در زندان مرکزی سندانج ، آزاد شده اید .

در طی این سالها ، مبارزات محمود صالحی فراز و فرودهای مختلفی داشته است. در آخرین مرحله از این

مبارزه یعنی برگزاری مراسم اول ماه مه توسط شما و دوستانتان در سقز ، شما دستگیر و محکوم به یک سال

زندان شدید. جناب صالحی تبریک می گوئیم ازادی شما را به ویژه که ما در آستانه روز اول ماه مه در سال

1387 خورشیدی هستیم . به عنوان سوال و بحث اول می خواستم در مورد چیزی که همه ما را نگران کرده

و آن هم شرایط جسمی شماست ، لطفا توضیحاتی را ارائه دهید .

محمود صالحی : با درود به حضور شما دوستان و رفقا، و همه کسانی که این گفتگو را گوش می کنند .

زحمت کشیدید و آمدید . دوستان! در مورد وضعیت جسمی بنده : من قبل از اینکه وارد زندان بشوم قبل از

این یک سال، از نظر کلیه ناراحتی داشتم ، در زندان با توجه به وضعیت غذایی و مکان آن که جای بدی هست

دو مریضی دیگر به این مریضی من اضافه شد! که یکی مشکلات در قلب من است و دیگری مغز و

اعصاب . با توجه به فشارهای روحی و روانی که انجا زیاد بود این دو عارضه هم به بیماری های من اضافه

شد و یکسال زندان را خیلی سخت گذراندم. البته از نظر مریضی جسمی و نه با توجه به شرایط روحی . از

نظر روحی زندان برای ما اصلاً مهم نبود ولی از نظر جسمی من وضعیت خیلی بدی داشتم. وقتی که این یک

سال حبس تمام شد، در تاریخ 86/12/27 من را در رابطه با، پیام به کارگران در 25 تیر و دانشجویان در روز 16 آذر به دادگاه بردند و سه جرم هم در رابطه با زندان به من تفهیم اتهام شد. من در برابر این تفهیم اتهام که اصلا مشروعیت قانونی هم نداشت همان جا بعد از بازپرسی اعلام کردم که به این حکم ناعادلانه اعتراض می‌کنم و خواسته ام این بود که این حکم قرار بازداشت موقت به قرار وثیقه تعدیل شود. بازپرس قبول نکرد و حکم بازداشت موقت را صادر کردند. با توجه به این من به عنوان اعتراض اعتصاب غذا کردم که 13 روز ادامه داشت. تمام بچه های زندان و خارج از زندان نگران وضعیت جسمی من بودند. چون من در روز 13 نوع قرص مصرف می‌کنم. یعنی قرص برای کلیه هایم مصرف می‌کنم، برای مغز و اعصاب و برای فشار خون. دکترهای داخل زندان همیشه من را صدا می‌کردند که اگر تو اعتصاب هم می‌کنی اعتصاب خشک نکن چون باید قرص هایت را مصرف کنی تا روز نهم اعتصابم فشار خونم بالا می‌رفت و تا 22 هم رسیده بود از روز 9 به بعد پایین آمد و به 12 و 13 و 14 تبدیل شد و با توجه به اینکه من به خواسته ایم رسیدم و قرار وثیقه برای آزاد شدن برابم صادر کردند بعد از 13 روز اعتصاب را شکستم.

- خیلی خوب شد که شما اشاره کردید به موضوع اعتصاب که چه دلایل و خواسته هایی پشت این اعتصاب بود که خوشبختانه لاقط تحلیل شخصی من این است که این اتفاق افتاد و آن خواسته ها و مطالبات حداقل شما و آن چیزهایی که شما در زندان مطرح کرده بودید به نتیجه رسید. شاهد بودید که در سراسر جهان و نه تنها در داخل ایران از شما حمایت بین المللی شد و اعتراضات سراسری برای وضعیت جسمانی شما و اینکه امکانات مناسبی در حد وضعیت جسمی شما برای شما در دسترس نبود. از این همبستگی بین المللی که در سطح جهان و حتی در داخل و در میان کارگران و فعالان کارگری و عموم و دیگر حوزه های اجتماعی برای دفاع از شما اتفاق افتاد چه تحلیلی دارید و چه فکر می‌کنید؟

و ضمناً فکر میکنید که چه می‌شود که شما با آن انگیزه ها و ایده های استوار و رادیکالی که اعلام می‌کنید و با توجه به اینکه در سطح جهانی و تحت نفوذ رسانه های مختلفی که علاقمند نیستند صداهایی مثل صدای شما و تفکر شما شنیده شود بالاخره صدای شما و پیام شما گسترش یافت و اتفاقات بزرگی در سراسر دنیا اتفاق افتاد و احزاب از شما حمایت کردند؟ شما چه تعبیر و تحلیلی از این همبستگی بین المللی برای آزادی خودتان دارید؟

محمود صالحی: شعار ما در کل این است که کارگران جهان متحد شوید! این شعار باید به عمل تبدیل شود. این یک واقعیت انکار ناپذیر است. این که مثلاً من در ایران هستم و جنبشی در حمایت از من و امثال من ایجاد می‌شود، یک امر طبیعی است چون ما هم طبقه هستیم و وقتی هم طبقه هستیم دیگر فرقی نمی‌کند در کجای این جهان زندگی کنیم. ما مرزها را می‌شکنیم تا این طبقات با درد و رنج همدیگر آشنا شوند. مردم می‌دانستند که من جرمی مرتکب نشده بودم تا به یک سال حبس محکوم شوم، من خلاف قانون کاری نکرده بودم که به یک سال حبس محکوم شوم، چون این حق قانونی و مشروع ماست که بگوییم آقا اول ماه مه باید تعطیل باشد، کارگران باید به خیابان بیایند، کارگران باید راه پیمایی کنند یا خواسته های خودشان را بگویند یا قطعنامه خود را صادر کنند. حتی در ماده 63 قانون کار هم به این اشاره شده که اول ماه مه روز تعطیلی کارگران می‌باشد. پس مردم می‌دانند که من جرمی مرتکب نشده بودم. و چون ما هم طبقه هم هستیم مثلاً اگر من امروز در ایران دستگیر می‌شوم و یا فلانی در فرانسه دستگیر می‌شود این ما هستیم که باید از هم پشتیبانی کنیم، ما هستیم که باید درد همدیگر را بفهمیم و با اتحاد و همبستگی خود سدهایی را که در مقابل ما

قرار گرفته را بشکنیم . نظام های سرمایه داری و بورژوازی خیلی راحت تن به خواسته های ما نمی دهند چون اگر خواسته های ما را مشروعیت بدهند دیگر سرمایه داری نیستند . پس ما باید برای رسیدن به خواسته های خودمان مبارزه کنیم . این است که اگر من امروز در کردستان هستم و مردم در شهرهای دیگر و استان های دیگر و حتی در خارج از کشور پشتیبانی می کنند این جز اینکه ما هم طبقه هستیم چیز دیگری نیست . چون هیچ کدام از ما مزدور نیستیم که بگوییم مثلا فلان کشور این مقدار پول را تهیه کرده که مثلا این کار را بکند . و کشورهای بورژوازی هم برای اینکه از این وضعیت پیش آمده جا نمانند خودشان را خیلی محافظه کارانه وارد این مسائل می کنند . حتی روزنامه های خودمان شاید در عرض یک سال یا 6 ماه حبس ما یک خیر کوچکی درج می کنند که آقا ما می دانیم محمود صالحی در زندان است یا دانشجویها در زندان هستند . این یک چیز طبیعی است که مثلا اگر فردا چیزی شد بگویند آقا ما خبردار هستیم . به نظر من رسانه های بورژوازی فقط به این دلیل کار کردند .

وقتی آدم اتفاقاتی را که حول و حوش میارزات شما به ویژه در این چند سال اخیر را بررسی می کند به یک نام برخورد می کند نامی که فراتر از یک همسر ، یک مادر و سرپرست خانواری که در غیاب پدر خانواده عمل کرد ، نامی که به تحلیل بسیاری از فعالان کارگری و کسانی که از دور یا نزدیک اتفاقاتی که برای شما می افتاد و یا اتفاقاتی که شما رقم می زدید را رصد می کردند ، در ذهن یک دوست ، همراه و یک رفیق مبارز که پایداری کرد راتداعی می کرد . اگر شما در داخل زندان پایداری میکردید ، ایشان در خارج از زندان:

نجیبه صالح زاده !

من نمی خواهم سؤال خاصی بپیرامون ایشان بیرسم ولی شما آن چیزی را که در مورد ایشان فکر می کنید و احساس می کنید را با ما درمیان بگذارید .

محمود صالحی : ما قبل از اینکه زن و شوهر باشیم هم طبقه هستیم . این مهم است . این هم طبقه بودن از زن و شوهر بودن بالاتر است و با توجه به اینکه هم طبقه هستیم طبیعی است که مثل یک هم طبقه برخورد می کنیم . مثل یک رفیق ، مثل یک دوست برخورد می کنیم ، نه مثل یک زن و شوهر . به هر حال ما می دانیم که بچه داریم که فردا خانه می خواهد و زن می خواهد و باید او را تامین کنیم چون در زمانی که ما زندگی می کنیم در همین نظام آنها هیچ ضمانتی ندارند که آیا فردا می توانند به دانشگاه بروند ؟ یا زن بگیرند؟ و این در کشور ما بر دوش پدر است که معمولا نان آور خانواده است . با توجه به مشکلاتی که برای خانواده من در طول یک سال پیش آمده ایشان درست آن کاری که اعتقاد داشته را به سر انجام رسانده است . از همه بالاتر اینکه ما هم طبقه بودیم و همسر من هم ، رسالت هم طبقه بودن خودش را خوب انجام داده است .

- می خواهم خواهش کنم سرکار خانم نجیبه صالح زاده با ما صحبت کنند در ارتباط با کارهایی که ایشان انجام دادند و من فکر میکنم همه دنیا دیدند و مشاهده کردند و تحسین کردند . شما در ارتباط با نحوه مبارزه و این نحوه زندگی که همسرتان ، هم طبقه ، رفیق و همراهتان انتخاب کرده چه فکر می کنید ؟ و بگویید چطور در این مدتی که سختی های زیادی مطمئنا در پیش روی شما بود با چه انگیزه و پشتوانه فکری توانستید بر همه این مشکلات فائق بیابید و همه سختی ها را به خوبی طی کنید؟ و به نظر من یک پروژه مشترک خانوادگی را سر بلند به پایان رساندید ؟

نجیبه صالح زاده : خسته نباشید به شما می گویم . همینطور که محمود گفت ما قبل از اینکه همسر باشیم هم طبقه و رفیق هستیم و من این را و هدفی که شوهرم قبول کرده را قبول دارم و با جان و دل همراهی می کنم. بعضی ها فکر می کنند من که همسرم ، باید به آینده بچه ها فکر کنم . خیلی ها بودند که به من می گفتند که شما بچه دارید اگر تو به محمود بگویی او دست از کارهایش خواهد کشید. من هم بارها گفتم که او کار خلافی نکرده ، راهی است که راه رهایی طبقه کارگر و همه انسان هاست و من و بچه هایم هم این راهی را که پدرشان انتخاب کرده با جان و دل قبول کردیم . اگر ما این راه را به عنوان یک هم طبقه و کسی که واقعا دردمشترک داریم قبول نکنیم نمی توانیم باهم زندگی کنیم . وقتی که این راه و هدف را قبول کردیم با جان و دل هم این راه را ادامه می دهیم از هر طریقی که باشد . و من تا به حال کارهایی را که برای محمود انجام دادم کارهایی بود که به عنوان یک رفیق ، یک هم طبقه و یک کارگر که دردمشترک داریم انجام دادم و این وظیفه ای است که به نوبت هر رفیق و هر هم طبقه ای هست .

- شما با صحبتی که کردید راه را بر روی همه صحبت های بعدی من بستید چون همه جانبه گفتید و خیلی محکم ! دیگر تقریبا جایی برای سؤال من باقی نماند . من می خواهم یک سؤال دیگری مطرح کنم . گاهی پیش می آید که همسر یک مرد یا زن وقتی یکی در یک مبارزه و حرکت اجتماعی شرکت می کند از طرف همسرش با این سؤال و این چالش روبرو می شود که فرض بگیریم که من یا تو و یا هر دو با هم خیلی محکم در این راه پیش رفتیم چه نتیجه ای خواهد داشت که زندگی شخصی ما و آینده بچه های ما به هدر برود؟
سالیان سال بوده که این اتفاقات و این مبارزات بوده اما می بینیم که جامعه بشری هنوز به آرمانی که ما از آن صحبت می کنیم نرسیده است ، شما چه پاسخی به این سؤال ها و یا تردیدهای ذهنی می دهید ؟

نجیبه صالح زاده : وقتی هر انسانی هدفی را قبول می کند برای آن باید بها داد و بهایی که ما میدهیم احتمال دارد که در این راه آدم از دست برود و یا خانواده اش از دست برود. همانطور که خودتان فرمودید بارها خیلی ها بودند که زندگیشان از هم پاشیده شده و هدفی که داشتند برای بچه هایشان بوده مثلا مادر خانواده یا پدر از بین رفته ولی کسانی که در خانواده بودند وقتی هدف را قبول کردند ادامه دادند و تا این فکر و ذهنیت در فکر هر انسان آزاده و کارگری که باشد این از بین نمی رود به پایان نمی رسد بلکه هرکس در راهی که می رود برای آن بها می دهد و ما هم این هزینه و بها را با جان و دل قبول کردیم ! بارها که اطلاعات من را خواسته و به ستاد خبری رفته ام و یا حتی در دادگاه به من این حرف ها را زده اند و من را تحریک کردند ولی من گفتم ما باید این هزینه ها را بدهیم و این ها را هم قبول داریم . مثلا به من گفتند که محمود در زندان است بروید دنبال زندگیشان ولی ما گفتیم که میدانیم و قبول کردیم که همه چیز را مثل زندانی شدن و از هم پاشیدن زندگی. البته نه اینکه از هم جدا شویم (اینکه مثلا زن یا شوهر و یا حتی بچه ها ممکن است از بین بروند) ولی ما نباید کوتاه بیاییم در راه هدفمان. قبول کردیم و باید آن را ادامه بدهیم .

- خانم صالح زاده! آیا شما این اعتقاد را دارید که وقتی در مورد جنبش کارگری و طبقه کارگر حرف می زنیم به طور ویژه یک تقسیم بندی کنیم : مردان کارگر - زنان کارگر ؟ و اگر برای عرصه مبارزه چنین چیزی را مناسب می دانید آیا خود شما در این زمینه زنان کارگر فعالیتی می کنید؟ اصولا وضعیت زنان کارگر را در ایران و یا منطقه خودتان و یا شهر سقز به چه شکلی می بینید و یا چه کارهایی می شود انجام داد ؟

نجیبه صالح زاده : وقتی ما می گوئیم کارگر دیگر جادشندی نیست . کارگر زن و مرد ندارد . وقتی می گوئیم کارگر منظور هم زن و هم مرد است . و اینکه جدا کنیم غیر ممکن است . زن کارگر مثل مرد کارگر همان

مشکلات را دارد و زنان کارگر در ایران همانطور که مطلع هستید نصف حقوق مردان را می‌گیرند و این است که مرخصی و یا دوران بارداری و یا زایمان و دوران مریضی کمتر است. و یا وقتی که حقوق می‌دهند زن و مرد با هم و کنار کارگاه ایستاده‌اند و کار می‌کنند ولی در پایان ماه نصف حقوق مرد را به زن می‌دهند. این را برای خود بهانه کرده‌اند که زن سرپرستی خانواده را به عهده ندارد به همین دلیل مسئله عائله مندی از حقوق زن کم می‌شود ولی اکثر زنانی که کار می‌کنند سرپرست خانواده هستند و مشکلات خانواده به دوششان است، خیلی زن‌ها هستند که بیوه هستند. شوهرشان از دست رفته و مسئولیت خانواده را به عهده دارند یا خانم‌هایی که منشی می‌شوند و یا در فروشگاهها کار می‌کنند حقوقشان حتی برای رفت و برگشت هم کافی نیست این را همه مطلع هستیم و زنانی که در کردستان هم هستند می‌دانیم که هرچه شهر کوچکتر باشد مشکلات هم بیشتر است. در سقز ما داریم زنانی را که در کارگاهها و تولیدی‌هایی که کار می‌کنند صبح که می‌روند تا عصر حتی آفتاب را نمی‌بینند و در تولیدی تکه ای 100 تومان می‌گیرند یا در قالببافی کار می‌کنند و رگی 100 تومان می‌گیرند، اینها مشکلات زنان کردستان است ولی این نمی‌شود که کارگران زن و مرد را از هم جدا کنیم. وقتی می‌گوییم کارگر هم شامل زن می‌شود و هم مرد.

برای زن‌ها یک ستم مضاعف وجود دارد. یعنی علاوه بر اینکه کارگر هستند همان چیزهایی که شما گفتید هم وجود دارد یعنی حقوق کمتر می‌گیرند و ... فکر نمی‌کنید روی این قضیه که این ستم مضاعف وجود دارد باید بیشتر کار کرد؟

نجیبه صالح زاده: بله باید با زنانی که کارگر هستند صحبت کنیم و باید از حقوق خودشان آگاه شوند. ولی متأسفانه مذهب در اینجا خیلی روی زن‌ها کار کرده و زن‌ها را از بین برده. مثلاً زن را نصف مرد حساب کرده وقتی می‌رویم به زن می‌گوییم خانم شما باید مثل مرد حقوق بگیرید می‌گه نه مذهب این را گفته و من هم باید این را قبول کنم چون مردها مقاومتشان بیشتر است و توانایی بیشتری دارند. نمی‌دانند که آنها هم مثل همان مردها پای کارگاه هستند و کار میکنند پس چه فرقی با هم می‌کنند؟ بله به راستی باید روی زن‌های کارگر کار شود و باید آگاه شوند به هر طریقی که می‌شود باید بفهمند که زن‌ها همان حق و حقوق خودشان را دارند.

- به نظر شما زنان کارگر باید یک تشکل مستقل زنان داشته باشند یا نه؟

نجیبه صالح زاده: بله صد درصد. ما خودمان چند سال پیش می‌خواستیم یک تشکلی اینجا راه بیندازیم ولی متأسفانه با برخورد اداره کار روبرو شدیم که مخالفت کردند. ما میخواستیم انجمن حمایت از زنان بافنده و خیاط را بگذاریم که موافقت نشد ولی باید تشکل وجود داشته باشد چون تا وقتی که جایی نباشد که این زن‌ها بیابند و آگاه شوند کاری درست نمی‌شود.

- متشکر از شما و اینکه اگر اجازه بدهید در ادامه گفتگو با شما بیایم و از نظرات شما هم استفاده کنیم.

- آقای صالحی! در کنار نام شما نام یک تشکل صنفی به نام خبازان سقز همیشه شنیده می‌شود. اولاً که از نام تشکل بگویید که چه تشکلی است و چه مسائلی را پوشش می‌دهد تا بعد سئوال بعدی را بیرسم و تاریخیه آن را هم بگویید؟

محمود صالحی: سال 73 ما انجمن صنفی کارگران خباز را تشکیل دادیم. و از آن سال به بعد رسماً فعالیت خودش را شروع کرده با توجه به وضعیت کردستان، هر وقت کسی حرفی بزند سریعاً سازمان‌هایی که به قول اینها غیر قانونی هستند در ذهن تداعی میشود. ما در اوایل 73 تا 78 مرتباً زیر نظر اداره

اطلاعات و اتحادیه کارفرمایان خباز تحت فشار بودیم و مرتبا ما رو تهدید می کردند . در همان وقت یکی از بچه های ما را تهدید کردند که از خانه اش فراری شد و چند سالی در خارج ازسفر زندگی کرد و چند بار هم ما در این مورد دستگیر شدیم و زندان رفتیم ولی حتی با وجود این زندان ها و این فشارها ما اصلا کوتاه نیامدیم و انجمن رو به پیش می بردیم و در انجمن صنفی کارگران خباز با وضعیتی که داشت، و با نظر هیئت مدیره و بازرسانی که داشت ، ما در تمام جریاناتی که در ایران رخ می داد اولین اطلاعیه یا عکس العمل از طرف ما بود. مثلا برای حمله به کوی دانشگاه ما اقدام کردیم . در آن زمان که هیچ تشکلی نبود . ما اقدام کردیم . در مورد قتل های زنجیره ای و دستگیری فعالین کارگری و دستگیری دانشجویان و زنان ما اقدام می کردیم . با توجه به این وضعیتی که بود و اقداماتی که ما می کردیم من که خودم یکی از اعضای هیئت مدیره بودم از کار اخراج کردند و طبق قوانینی که در کشور ما حاکم است کسی که خودش در این شغل نباشد نمی تواند نماینده آن شغل باشد . وقتی که من رو اخراج کردند بعد از 9 سال که در خبازی کار کرده بودم بدون هیچ پرداختی اخراج شدم. خودم در همان موقع نماینده حل اختلاف شهرستان بانه و سقز در اداره کار بودم. من را اخراج کردند و حتی حقم را هم ندادند . به این دلیل من دیگر نتوانستم خودم را کاندیدا کنم و در واقع نگذاشتند . حتی دوستان ما مثل جلال حسینی و محمد عبدی پور هم که در انتخابات شرکت کردند و رای هم آوردند ولی قبولشان نکردند . با توجه به این قضیه هنوز انجمن صنفی کارگران دارد روی پای خودش حرکت می کند و همیشه سر زبان مردم عام است .

- انجمن صنفی کارگران خباز در سفر چه تعداد عضو دارد؟ و از آن مهمتر آیا اعضای این انجمن به طور جدی همراهی و پشتیبانی از نظرات و عملکردهای انجمن می کنند؟ و آیا اصولا مشارکت می کنند و تصمیم ساز هستند؟ و بعد از این اگر می توانید صحبت کنید که نحوه تصمیم گیری و عملکرد در انجمن شما به چه شکل است؟ آیا شخصی با نام محمود صالحی تاثیر فوق العاده خاص و ویژه دارد در این انجمن یا تصمیم ها به طور جمعی است؟

محمود صالحی : انجمن صنفی کارگران خباز با توجه به موقعیتی که داشت فعالیت خودش را شروع کرد . در این انجمن قبلا که ما آنجا بودیم به کارگران آموزش می دادیم و 600 عضو داشتیم و من خودم وقتی آنجا بودم برنامه ریزی کرده بودم . هرچند وقت 30 نفر را دعوت می کردم می آمدند آنجا و یک آموزش های خاص می دادیم به کارگرها . حتی کتابخانه ای که ما در انجمن داشتیم بهترین کتابخانه در سقز بود . ما کتابخانه داشتیم و در خود انجمن یک اتاق داده بودیم به نهضت سواد آموزی که کارگرانی که سواد نداشتند اجبارا باید می آمدند و درس می خواندند. انجمن کارهای زیادی کرد مثلا قبل از اینکه انجمن تشکیل شود حدودا 20 درصد از کارگران بیمه بودند. با تشکیل انجمن صنفی کارگران خباز و فعالیت فعالان این تشکل ما 95 درصد کارگران را بیمه کردیم .در آن موقع در مورد حق سنوات کارگران ، حقوق کارگران، انجمن کارهایی شد. مثلا ما با کارفرها پیمان دسته جمعی را بستیم که قبلا این جور نبود . قبلا هر کارفرما یک دستمزد تعیین شده ای برای خودش می داد ولی بعد از تشکیل انجمن این دستمزدها همه یکسان شد و همه به اندازه هم دستمزد می گرفتند. مثلا قبل از اینکه انجمن تشکیل شود ما حق سنوات نداشتیم ، بیمه بیکاری نداشتیم ، عیدی و پاداش نداشتیم ، حق عائله مندی و مسکن نداشتیم و بن کارگری هم نداشتیم . به دنبال تشکیل انجمن صنفی ، کارگران این ها را به دست آوردند و به دست آوردن این ها برای کارگران روحیه خوبی شد

یعنی یک روحیه ای که شد که مثلا کارگران مرتبا در انجمن می آمدند . هر روز حداقل 100 تا 150 کارگر آنجا بود که ما با آنها صحبت می کردیم . و مشخص است که اگر با کارگر راحت باشی ، به او دروغ نگویی ، کلاه سرش نگذاری شما رو دوست دارد . هرچند در انجمن صنفی کارگران تصمیم را هیئت مدیره می گیرد . و معمولا هیئت مدیره از نظر سنی و از نظر محبوبیت، هرچه را که می گفتم قبول می کردند .

- یکی از مسائلی که ما همیشه در جنبش کارگری داریم این است که یک نفر به حق، به خاطر نحوه عملکرد و نحوه طرز فکر و همانطور که شما اشاره کردید صداقتش که با بقیه کارگرها دارد و در روند مبارزه ای که می کند به یک جایگاهی می رسد که البته شایسته آن جایگاه هست . اما آیا فکر نمی کنید ما باید به آن سمت برویم که این اتفاق برای آدم های دیگری هم بیفتد ؟ انسان های دیگری هم تبدیل شوند به محمود صالحی و بتوانند در این کار جمعی شرکت کنند ؟ آنها هم بدانند که محمود صالحی چه تجربیاتی را پشت سر گذاشته ؟ وقتی محمود صالحی در مورد یک مسئله یا مصداق خاص یک نظری را اعلام می کند و یک تصمیمی را قرار است بگیرد چرا و با چه استدلالی این کار را می کند ؟ آنها هم به این درجه از آگاهی برسند و بتوانند این کار را بکنند و به لحاظ تعداد ما آدم های زیادتری داشته باشیم که این آگاهی طبقاتی را در طبقه کارگر بتوانیم افزایش بدهیم . آیا شما شخصا کار خاصی را انجام دادید که دیگر دوستانتان در انجمن صنفی کارگران خباز سقز بتوانند در این تصمیم گیری ها مشارکت کنند و آن شخصیت محوری که شما در تصمیم گیری ها دارید نه اینکه به حاشیه رانده شود بلکه تقسیم شود با کسانی که آنجا حضور دارند از جمله عموم کارگران خبازی که در سقز حضور دارند ؟

محمود صالحی : بله من خودم اعتقاد به این دارم که باید تمام دانسته هایمان را انتقال بدهیم . خوب به هر حال من همیشه مورد انتقاد بچه های خودمان بودم که تو هر چیزی را که می دانی انتقال می دهی . این جزو اعتقادات من است که باید هر چیزی را که می دانم انتقال بدهم به دوستان دیگر . و باید این ها آموزش را ببینند تا بتوانند در صورت نبود امثال محمود صالحی کار خودشان را بکنند . پس اگر ما این کار را نکنیم در واقع یک چیزی را در انحصار خودمان گذاشتیم که این با جنبش کارگری مغایرت دارد . ما باید هر چیزی را که می دانیم در اختیار دوستان و آشنایان و فعالان کارگری قرار بدهیم تا اینکه آنها هم به قول شما محمود صالحی بشوند . چون محمود صالحی بدون پشتیبانی کارگران و زنان و دانشجویان اصلا محمود صالحی نیست . محمود صالحی یک فرد است . خوب این طبیعی است که محمود صالحی یک زمینه داشته ، مردم دوستش دارند ، انجمن صنفی کارگران دوستش دارند ولی بدون آنها محمود صالحی وجود ندارد !

- آقای صالحی چیزی که اشاره می کنید نکته فوق العاده مهم است یعنی شما به این اعتقاد دارید که آن چه که محمود صالحی می داند بدون هیچ پیش شرطی باید به کارگران منتقل شود و این جزو اصول اساسی است که شما خودتان هم به آن اشاره می کنید چرا اینچنین فکری می کنید ؟ اصلا جایگاه آموزش و دانسته های طبقاتی ، جایگاهی که ما قبول کنیم که امر آموزش در میان طبقه کارگر جایگاه فوق العاده رده بالایی دارد و اهمیت دارد چیست ؟ یعنی چرا همچنین چیزی مهم است ؟

محمود صالحی : اگر ما نتوانیم این دانسته ها را انتقال بدهیم خوب در واقع هیچ کاری نکردیم و باید این دانسته ها انتقال پیدا کند و طبقه کارگر آگاه شوند . مردان بزرگ می گویند یک کارگر آگاه مثل یک تانکی است که در مقابل نظام سرمایه داری می ایستد . این یک واقعیتی است که ما نمی توانیم از آن چشم پوشی کنیم . کارگر آگاه چه کسی است و چگونه یاد می گیرد که باید آگاه باشد و چگونه حقوق خودش را بشناسد و از آن

دفاع کند؟ چه کسی این را انتقال می دهد؟ کسانی که به این نتیجه رسیده اند که باید واقعا جنبش کارگری به راه بیفتد و کارگران یاد بگیرند از حقوق خودشان دفاع کنند. این مهم است به هر حال اگر امروز من و امثال من و کسانی که هستند این واقعیت را قبول کردند که جنبش کارگری باید راه بیفتد ما باید این ها را آماده کنیم که به خواسته های خودشان برسند در غیر اینصورت جنبش کارگری وجود ندارد. ما باید حتما سعی کنیم که تجربه ها و دانسته را انتقال بدهیم تا اینکه طبقه کارگر، نسل جدید به میدان بیاید. طبیعی است که نسل جدید با نسل قدیم فرق دارد. نسل جدید همه با سواد هستند و تجربه دارند فقط تجربه طبقاتی ندارند که ما باید این را به ان ها منتقل کنیم که مبارزه طبقاتی چه مفهومی دارد و چه معنایی دارد علی الخصوص در کردستان. چرا در کردستان؟ چون در کردستان مسئله ناسیونالیستی حاکم است و تاخت و تاز می کند با توجه به این که بورژوازی کردستان می گوید که ما در کردستان اصلا پرولتر نداریم! این هم یک نوع عوام فریبی در مبارزه طبقاتی است در اینجا. مثلا منی که 14 ساعت روز را در گرمای زیاد کار می کنم و جان می کنم نمی دانم اسم من را چی می گذارند. به اضافه مشکلاتی که در تهران و اصفهان و همدان است ما این مسئله ناسیونالیستی را هم اینجا داریم. پس چند برابر کارهای ما بیشتر می شود. خوب طبیعی است که من می گویم طبقه کارگر آگاه، منضبط، متشکل می تواند انقلابی بکند که تمام دم و دستگاه نظام سرمایه داری را از بین ببرد و خودش روی بنای این سیستم یک سیستم جدید را بنا کند.

- آقای صالحی از این گفتگوی آخری که با هم داشتیم در مورد دانش و آگاهی و در ارتباط با سئوالی که داشتیم جوابی به ذهن خودم رسید. ما شاهد هستیم که تشکل های مختلف کارگری، انجمن صنفی، سندیکا - و به هر نامی - ایجاد می شوند. به طور تاریخی هم اگر بررسی کنیم تعداد خیلی زیادی را می توانیم مثال بیاوریم که البته با شور و خروش نسبتا بالایی شروع به کار می کنند و حتی ممکن است یکسری دستاوردهای ابتدایی هم داشته باشد که کارگرا به آن ایمان میاورند اما بعد از یک مدتی ما می بینیم که هم به لحاظ کمی و هم کیفی افت می کند و حتی گاهی با ایست کامل مواجه می شود. شما وقتی صحبت از دستاوردهای انجمن صنفی کارگران خباز کردید مثلا صحبت از این کردید که بعد از تشکیل انجمن ما دیگر این را نداشتیم که هر کارفرما یک کارگری را تک گیر بیاورد و با او یک قرارداد ببندد و حقوقی را طی کند ما به یک پیمان دسته جمعی حقوقی رسیدیم و یک حداقلی را تعیین کردیم و یا اینکه از 20 درصد بیمه شدگان ما توانستیم 95 درصد کارگرا پیمان را بیمه کنیم و سنوات، عیدی و سایر قضایا. آیا این دو مطلب را می توانیم به هم بیوند بدهیم؟ به نظر من این موفقیت ها به دلیل این نبود که شما 600 عضو داشتید چون جاهای دیگری هستند که تعداد بیشتری هستند آیا این موفقیت ها به دلیل آگاهی هایی نیست که روپوش کار شده است؟ یا شما دلایل دیگری را هم می توانید برایش ذکر کنید؟

محمود صالحی: بله این روپوش کار شده. ببینید مثلا در مورد بحث تشکل های کارگری، ببینید من خودم طرف دار ایجاد شورا هستم و شورا را قبول دارم اما به تشکل های دیگری که تشکیل می شوند نیز با کمال احترام می نگرم. این تشکل ها چی هستند؟ بگذارید یک نمونه بیاورم مثلا نساجی سنندج 55 روز اعتصاب کردند به رهبری شورای اسلامی بود، مثلا در سقز که این همه مبارزه کردند تا به این خواسته رسیدند رهبرش انجمن صنفی بوده که طرد شده است. پس افرادی که داخل این شورا یا این اتحادیه یا انجمن ها هستند جهت گیری این تشکل ها را تعیین می کنند نه اینکه اساس نامه ای که از پیش تعیین شده. افرادی که آنجا هستند با گرایشاتی که وجود دارد جهت گیری این تشکل ها را آنها تعیین می کنند. مثلا در ایران خودرو هیچ

تشکلی نداریم درحالیکه 30 هزار نفر کارگر دارد نه تشکل اسلامی و نه انجمن . بعضی مواقع یک اطلاعاتی می دهند و می گوید جمعی از کارگران ایران خودرو یا شرکت واحد هیچکس نمیداند این جمع کی هستند . بدون هویت هستند این ها . پس این ها نمی توانند در جنبش کارگری ایران تاثیر گذار باشند . باید بتوانی با اسم و رسم خودت علنا بیایی در خیابان . بله من می گویم جهت گیری هر انجمن یا تشکلی را افرادی که آنجا هستند تعیین می کنند .

- اگر اجازه بدهید بیایم به سراغ کمیته دفاع از کارگران اخراجی . شما بگوئید این کمیته چه هست ؟ چه کارهایی کرده ؟ چگونه شروع شده و چه تیپ و چه حجم کارهایی را انجام داده ؟ و هدفش چه هست ؟

محمود صالحی : زمانی که انجمن صنفی کارگران خباز تشکیل شد ما در انجمن چند کمیته داشتیم مثل کمیته دفاع از کارگران ، کمیته ورزشی ، کمیته مالی و ... این کمیته ها در تمامی موارد فعال بودند . وقتی که ما از انجمن اخراج شدیم و ما رو بیرون کردند انجمن تعطیل نشد و به شکل چیزی در آمد که فقط اسمش بود و تابلوی آن . با توجه به آن ضعف که ما آنجا دیدیم ما تصمیم گرفتیم که یک کمیته تشکیل بدهیم که حتی اگر کاری نتوانستیم بکنیم ، کارگرانی که اخراج می شوند را جلوی اخراجشان را بگیریم و یا حداقل حق و حقوق اینها را بگیریم . با توجه به این ما یک کمیته تشکیل دادیم به نام کمیته دفاع از کارگران اخراجی که چند نفر عضو دارد که از فعالین کارگری هستند و ما حداقل در سال 100 پرونده داریم از تمام شهرهای ایران یعنی از هر جا که به ما مراجعه کردند ما بدون هیچ هزینه حتی ایاب و ذهاب رفتیم در جلساتشان شرکت کردیم و حق و حقوق کارگران را گرفتیم . در نبود انجمن صنفی کارگران ما این کمیته را تشکیل دادیم .

- یعنی با رفتن شما از انجمن صنفی خبازان این انجمن از بین رفت یا غیر فعال شد؟ چه راه هایی وجود دارد که بعد از رفتن آدم هایی مثل شما از انجمن ها و سندیکا و شوراهای آن تشکل ها از بین نروند و غیر فعال نشوند ؟ چه کار باید بکنیم که این اتفاقات برای جاهای دیگر نیفتد ؟

محمود صالحی : در سال 78 ما همگی هیئت مدیره انجمن دستگیر شدیم و نزدیک به 75 روز در سلول ها بودیم و بعد از آزادی توسط اداره کار و مرتجعین منطقه و ... توانستند یک عده را سر کار بیاورند حتی افراد خوبی را هم آوردند ولی در اداره کار و حین شمارش آرا کلاه سرشان گذاشته بودند و افرادی که خودشان خواسته بودند را تایید کردند و آوردند سرکار و همین ها بودند که باعث شدند انجمن غیر فعال شود . بعد از این یک انتخابات دیگر داشتیم که بچه های ما خودشان را کاندیدا کرده بودند اما متاسفانه خود اداره کار و وزارت کار این ها را رد کرد . خب این طبیعی است که در جامعه ای که ما زندگی می کنیم هر فعالی باید خودش را برای یک بار آماده کند و جز این نمی توانیم . ما باید این را تجربه قرار بدهیم . مثلا اگر شما نماینده دانشجویها یا معلمان باشید مطمئن باش برای یک بار دیگر نمی توانی . ما قبلا این تجربه را نداشتیم بعدا به این رسیدیم که ما باید نیرویی داشته باشیم که اگر 4 نفر از هیئت مدیره را اخراج کردند 4 نفر دیگر که دوست داشتنی طبقه کارگر باشند سر کار بیاید در غیر اینصورت ما باز هم به عقب بر می گردیم . حالا خوشبختانه انجمن ما باز هم فعال شده و دوباره کسانی که آمدند بد نیستند ولی محافظه کارانه قدم بر میدارند و ما با این ها در مورد حداقل دستمزد و پیمان های دسته جمعی صحبت میکنیم . که الان خیلی هم فعال هستند و از نظر ما با توجه به آگاهی که دارند خوب عمل کرده اند و توانشان همین است .

- پس باید کادر سازی کرد ؟

محمود صالحی : بله باید این کار را بکنیم .

- سؤال بعدی در مورد وضعیت جنبش کارگری ایران است. سوای آن مطالبات عمومی و تاریخی که طبقه کارگر داشته و دارد به هر ترتیب به خاطر ویژگی های منطقه ای و مناسبات خاص اقتصادی، جغرافیایی و فرهنگی که در ایران هست، نوع حکومتی که الان در ایران هست و وضعیتی که مشاهده میکنیم، نوع مطالبات و خواسته های کارگران ایران چه تیب خواسته هایی است؟ و چه فرقی با بقیه دنیا دارد؟

محمود صالحی: در ایران دو خواسته خیلی بزرگ است: 1- یکی دستمزدهای معوقه است 2- خواسته تشکیل تشکل های خود ساخته کارگری.

ما در تمام اخبارها و رادیو و تلویزیون ها هر دقیقه و هر روز می بینیم که صدها اخراج کارگری در تمام ایران اتفاق می افتد و آنها تجمع می کنند و جلوی وزارت کار و مجلس را می گیرند برای دستمزدهای معوقه. در اول ماه مه هم می بینم که تمام کارگران با اسم و رسم خود کمیته تشکیل می دهند، شورا و اتحادیه تشکیل میدهند. این ها هستند که خواستار تشکل های خود ساخته هستند. با توجه به اینکه ما در ایران دو نوع تشکل داریم یکی خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران است، یکی شوراهای اسلامی هستند. این ها یک خط قرمزی برای طبقه کارگر در نظر گرفته اند که کارگر نباید از این خط قرمزها بگذرد اما اگر ما ببینیم در سال 81 کارگران بهشهر از این خط قرمزها گذشتند و حتی اعتصاب غذا هم کردند و خانه کارگر رسماً در برابر این ها موضع گرفت و گفت این ها ضد انقلاب هستند یعنی اگر این اعتصاب و راه پیمایی که در سال 81 در بهشهر صورت گرفت در کردستان بود همه دستگیر می شدند ولی در آنجا فقط خانه کارگر بود که به این ها اتهام ضد انقلاب زد چون این ها از این خط قرمزها گذشتند و به دنبال تشکلهای خود ساخته رفتند. در جاهای مختلف، کمیته هماهنگی تشکیل شد، اتحادیه کارگران بیکار اخراجی تشکیل شد، شورای همکاری تشکیل شد، سندیکای شرکت واحد تشکیل شد این ها همه از خط قرمز گذشتند و اینها در خانه هایشان ننشستند تا نظام به آنها حمله کند. این ها آمدند بیرون و دارند تشکل ایجاد میکنند و عملاً تشکیل هم دادند و دارند مبارزه می کنند نوشته دارند، سایت دارند، در مراسم ها می روند و رسماً اعلام می کنند که ما در مراسم خانه کارگر شرکت نمیکنیم پس به این نتیجه می رسیم که طبقه کارگر در حال پیشروی و ساخت تشکلهای خود ساخته است. از طرفی نصف این اعتراض ها برای دستمزدهای معوقه است.

- شما با این پاسخ دو سؤال دیگر را هم برای من ساده کردید یکی اینکه برای ساده سازی من اینطور تقسیم بندی میکنم که دو نوع سنت فکری وجود دارد برخی میگویند ما هر چه بیشتر عقب نشینی کنیم بیشتر ضرر می کنیم و به طرف مقابل اجازه تعرض بیشتر را می دهیم و طیف دیگری هستند که می گویند بهتر است آهسته و پیوسته حرکت کردو نباید هزینه داد. شما در کدام یکی از این فازها فکر میکنید؟

محمود صالحی: البته من این دو را در هم ادغام میکنم چون ما نباید آن قدر تند حرکت کنیم که بیفتیم و نباید هم آنقدر کند حرکت کنیم که محافظه کار بشویم. این گزینه دوم که گفتید این ها روی خط محافظه کاری هستند که به ترس تبدیل می شود. ما نمی گوییم که با یک اعتراض می توانیم یک سیستم را از بین ببریم. این یک خواب است چون هنوز طبقه کارگر به این نرسیده که از خواسته های خودش دفاع بکند.

- بستگی به شرایط روز جامعه و حرکت کارگران، زمان و آگاهی دارد. یعنی نباید از خواسته های حداقلی کارگران عقب بیفتی و یا آن قدر جلو بروی که بخش وسیعی از کارگران عقب بمانند.

محمود صالحی: نگاه کن مثلاً رهبران و فعالان باید این را تشخیص بدهند. تو برای مبارزه باید تاکتیک داشته باشی، همینطور نباید بی گذار به آب بزنی. تاکتیک در مبارزه شرط عقل است. کارگر برگ درخت

نیست که پایین بیفتد تو باید در نظر داشته باشی که هزینه می دهی و آیا هزینه ای که می دهی به اینکار می ارزد یا خیر . با توجه به موقعیت اقتصادی که طبقه کارگر دارد و با توجه به خفقانی که وجود دارد باید فکر کنی که در چه حالتی می خواهی حرکت کنی .

- در واقع شما روی نوع سوم تاکید میکنید. به این مفهوم که خیلی هم فرمول بندی نیست گاهی باید تند رفت و گاهی بسته به شرایط باید آهسته و پیوسته رفت و این که شما معتقدید که هیچ کدام از این دو راه برای همیشه درست نیست و بسته به شرایط راه حلی باید مدنظر قرار گیرد . آقای صالحی شما وضعیت جنبش کارگری ایران را به چه صورت می بینید؟ آیا اساساً جنبشی در ایران وجود دارد؟ و اگر هست شما اوضاعش را چطور می بینید؟

محمود صالحی : بله جنبش کارگری موجود است و خود بورژوازی هم روی این انگشت می گذارد که بله یک جنبشی به نام جنبش کارگری موجود است و حتی در قوه قضاییه مطرح شده که ماباید یک قانونی برای این مطرح کنیم . من رسماً اعلام می کنم که جنبش کارگری در حال پیشروی است و دارد سدهای جلوی پایش را می شکند . شاید عده ای بگویند که جنبش کارگری تدافعی است ولی من اصلاً این نظر را ندارم !

- چه شواهد و قرائنی شما میتوانید دال بر این پیشرفت برای ما بیاورید؟ و چه سدهایی است که دارد توسط جنبش کارگری شکسته می شود؟

محمود صالحی : تشکیل این کمیته ها خودش نشانه پیشروی طبقه کارگر است ، جلوی مجلس را گرفتن از نشانه های آن است . طبقه کارگر ناآگاهانه نمی رود جلوی مجلس تحصن کند ، نا آگاهانه نمی رود اتوبان تهران - کرج را ببندد ، نا آگاهانه نمی رود جلوی ادارات بزرگ دولتی را بگیرد و تحصن کند . اگر این ناآگاه بود در کارخانه خودش می نشست ، شرکت واحد ناآگاهانه نرفته سندیکا تشکیل دهد. قبل از آن تذکر داده شده که این غیر قانونی است و حتی بهشان حمله کرده اند . پس این نشان میدهد که طبقه کارگر در حال پیشروی است . ندیدیم که دولت برود در خانه کسی که حرفی نزده او را دستگیر کند . مثلاً تومی دانی در این سالن و مراسم روز جهانی کارگر را خانه کارگر دارد رهبری می کند تو به آنجا نمی روی می روی خیابان و دستگیر می شوی. می دانی که بهت حمله می کنند چون قطعنامه ای تو تصویب کردی باب میل آن ها نیست . این تحرک و پیشروی در جنبش کارگری است . یعنی تو آن قدر جلو می روی که می توانی دانشجویان و زنان را با خود بیاوری و این پیشرفت است . مثلاً همین دستگیری ما تمام دنیا را به هم زد . یعنی کاری کرد که بحث طبقه کارگر ورد زبان بچه و بزرگ شده این ها پیشروی است .

- آقای صالحی انواع و اقسام تشکیلات کارگری وجود دارد که شما گفتید بیشتر به تشکل شورایی اعتقاد دارید اما حالا اگر صدایی در آمد که جایی سندیکایی ایجاد شد به هر اسمی شما با چه معیارهایی برای دفاع از آن می روید؟ آیا از هرگونه تشکل کارگری دفاع می کنید؟ یا معیارهای خاصی دارید؟ آن حد و مرزها برای شما کجاست؟

محمود صالحی : من از تمام تشکل ها واقعا حمایت می کنم ولی با عملکرد خودم که سازش با نظام سرمایه داری نیست و طبقاتی است و ما می دانیم که باید طبقه کارگر و شوراها کارگری تصمیم بگیرند و اجرا بکنند . حالا هر تشکلی که تشکیل می شود با هر دیدی که حقوق کارگران را بگیرد من حمایت می کنم . اما این تشکل ها خود به خود زیر نظر اداره کار و امثال آن می روند ما آنها را دعوت می کنیم که زیر نظر اداره کار نروند چون تشکل های کارگری ربطی به این ها ندارد . اگر ما به این ها {کارگران} تقبولانیم که این گونه

جاها مثل اداره کار} به شما ربطی ندارد خانه کارگر به شما ربطی ندارد و شورای اسلامی به طبقه کارگر ربطی ندارد ولی با توجه به کشوری که مادر آن زندگی میکنیم و شورای اسلامی کار ثبت شده است تو چه کار می توانی بکنی؟ مثلاً اگر در یک خانه ای ده نفر از خانه کارگر

یا شورای اسلامی نشسته باشند، تودیکر به آنجا نمی روی؟ و یا اگر تحصنی باشد مثلاً نساجی سسندج 57 روز با شورای اسلامی تحصن کردند تو باید چه موضعی درمقابل آنان داشته باشی؟ بگویی آقا چون شما شورای اسلامی هستی پس من با شما نیستم؟ نه من مخالفم. بله ما با آنها هستیم و به آنها می گوییم چطور عمل کنند و سازش نکنند و مسائل طبقاتی چه است و اصلاً چرا ما میگوییم که ما طبقه هستیم؟ ما می گوییم 90 درصد جامعه ما آدم هایی هستند که باید برای زنده ماندن دستمزد بگیرند و فقط 10 درصد هستند که می خورند و می پاشند پس ما هستیم که باید بقبولانیم به این ها که ما به این دلیل طبقاتی فکر می کنیم، به این دلیل ما باید پرچم خود را داشته باشیم. ما باید کسانی که تشکل های عادی را تشکیل دادند و به این امید هستند که کاری برای طبقه کارگری بکنند را باید تقویت کنیم. اگر این کار را نکنیم به حاشیه رانده خواهیم شد. اگر دگم بچسیم به یک چیزی که مرغ من یک پا دارد. نه این درست نیست ما ضمن پابند بودن به اعتقادات خود، این ها را هم دعوت می کنیم که پیش ما بیایند. یعنی ما آنها را بالا می کشیم خودمان پایین نمی رویم!

- می خواهم در ارتباط با اتفاقات کارگری به ویژه در سال 86 سوال کنم. با اینکه شما در زندان بودید ولی می دانم که در جریان هستید و بینش خوبی نسبت به جنبش کارگری ایران دارید. نکات مثبت یا بهترین دستاوردهای جنبش کارگری ایران در سال 86 از نظر شما چه بود؟ پیشرفت های اساسی که در جنبش کارگری صورت گرفت چه بود؟ و از آن طرف نقاط ضعف را چه می دانید؟

محمود صالحی: بزرگترین ضعف جنبش کارگری پراکندگی افراد است و به جای اینکه مناسبات را در تیررس قرار بدهند تشکل های هم عرض خود را در تیررس قرار میدهند!

من با این ها مخالفم و همیشه در مقابل اینها موضع دارم. چون من همیشه می گویم که دشمن اصلی من سرمایه داری است نه تشکلی که تشکیل شده. مثلاً چرا ILO تشکیل شده؟ و چرا یکی از نمودهای جنگ جهانی اول بود؟ چون سرمایه دارها می دانستند سرخ ها و طبقه کارگر به قدرت رسیده و باید سدی را در مقابل این ها را درست کنند که به اروپا و آمریکا نرسد پس گفتند که بیایید سازمان بین المللی کار را درست کنیم. در این سازمان رفرم هایی برای طبقه کارگر به وجود آمد مثل اضافه دستمزد و... برای اینکه جنبش چپ به این سمت ها نیاید. عملاً سرمایه داری به طبقه کارگر امتیاز داد که سنگی جلوی انقلاب 1917 بیندازد. اعتقاد من این است که تشکل ها و فعالین کارگری به جای اینکه همدیگر را پایمال کنند باید درمقابل دشمن اصلی بایستند که مناسبات سرمایه داری است. به نظر من این ضعف جنبش کارگری است.

- قبل از اینکه بروید به سراغ نکات مثبت در مثالی که از ILO زدید نشان دادید که اگرچه شما با ماهیت آن آشنا هستید ولی آن را هدف نمی گیرید و یا همچین چیزی مورد نظرتان بود. شما گفتید که دشمن اصلی شما ILO نیست بلکه مناسبات سرمایه است.

محمود صالحی: ILO کلاً تریبون بورژوازی است ولی تشکلی که در سقز یا تهران به وجود می آید این نیست و این تشکل های ساده را نمی توان با آن مقایسه کرد. آن یک تشکل جهانی در بعد بالا است ولی تشکل های اینجا حتی نمی تواند کرایه خانه اش را پرداخت کند پس این ها قابل مقایسه نیستند. ما می توانیم این ها

را راهنمایی کنیم و به جای اینکه همدیگر را تخریب کنیم میتوانیم نقطه قوتها را در نظر بگیریم. این که مثلا بارها در تجمع ها شرکت کرده اند این نقطه قوتش است یا مثلا این که در اول ماه مه قطعنامه مشترک می دهند نقطه قوت است یا در مورد حداقل دستمزد در ایران نوشته های مشترک می دهند نقطه قوت است یا اینکه همه تشکل ها منهای شوراها اسلامی و خانه کارگر در یک تجمع شرکت می کنند نقطه قوت است. اما این ضعف را هم دارند چون ما در مقابل همدیگر درست نشدیم. باید خود را درست کنیم. ما 23 میلیون کارگر داریم که شاید خانه کارگر 2 میلیون آن را رهبری کند بقیه اش چی؟ مثلا کمیته کارگری نمیتواند بگوید که من بقیه اش را رهبری میکنم این خیال است. خب باید تشکل های دیگری هم داشته باشیم. ما میتوانیم حتی اگر باین تشکلها ادغام هم نشدیم و حتی اگر از نظر ایدئولوژیک نشد با هم ادغام شویم ولی از نظر تاکتیک و مبارزه صنفی و مثلا از نظر اضافه دستمزد، مثل بیکاری، بیمه های تامین اجتماعی، اخراج ها با هم باشیم و اتحاد عمل داشته باشیم.

- شنیده شده بخشی از اتهاماتی که بهانه شد که شما را دوباره بازداشت کنند این بوده که شما از داخل زندان برای دستگیری دانشجویان پیامی فرستادید مخصوصا پیامهای همبستگی که از داخل زندان فرستاده بودید یا حتی قبل از زندان. شما چرا به عنوان یک کارگر فعال یا فعال کارگری نسبت به دیگر جنبشهای اجتماعی دغدغه دارید؟ و آیا فکر میکنید این جنبشها باید با هم ارتباط داشته باشند و یا فکر میکنید چه سطحی از ارتباط نیاز هست؟

محمود صالحی: به هر حال جنبش کارگری، دانشجویان، زنان و معلمان، همه جنبش های زنده ای هستند که در کشور ما موجود هستند. این که ببینیم اصلا دانشجوی کی است؟ و چه کاره است؟ و آیا پسر من، برادر من مگر دانشجوی نیست؟ و یا مگر زن کی است؟ همسر من است، مادر من است و یا خواهر من است. پس به این نتیجه می رسیم که ما هم طبقه هستیم و ما فقط این ها را جدا کردیم چون هر کدام باید جنبش خودشان را داشته باشند. وقتی جنبش خودشان را داشته باشند میتوانند حرف خودشان را هم بزنند. این جنبش ها هر چند از هم جدا هستند ولی در عین حال با هم هستند.

- می شود گفت که جنبش های اجتماعی در پیوند با همدیگر نیروی بیشتری می گیرند؟

محمود صالحی: این طبیعی است اگر ما نیرو نمی گرفتیم خب این کار را نمی کردیم. چون موقعی که ما می گوئیم نصف جامعه ما زن است پس اگر ما نیرو نگیریم اصلا وارد جنبش آنها نمی شویم. یا دانشجویان، اگر ما نیرو نگیریم پس چرا می رویم و این کار را می کنیم؟ پس ما یک نیروی کلی هستیم در چهار قسمت چون موقعیت ایجاد کرده که یکی دانشجوی باشد و در دانشگاه کاری بکند، یا من کارگر باشم و در کارخانه مبارزه کنم و معلم هم در مدرسه مبارزه کند و زن هم در خانه یا خارج از خانه. زن و مرد کارگر یکی هستند اما با خصوصیات از هم جدا. مثلا شاید ما ندانیم که زن در عین حمل بچه چه دردی می کشد. من نمی دانم در دانشگاه چه چیزی می گذرد. ضمن این که آنها خواسته های خود را دارند ولی ما هم طبقه هستیم. آنهایی که فرزندان سرمایه داران هستند هیچوقت در جنبش دانشجویی شرکت نمی کنند چون فقط به فکر انباشت سرمایه هستند. پس ما باید از هم دفاع کنیم تا نیروی ما بیشتر شود و قدرتمندتر شویم.

- آقای صالحی لغت کارگر در اقتصاد سیاسی چپ مفهوم خاصی دارد شما وقتی از معلم ها یا پرستارها و یا مزد بگیران صحبت می شود آیا این ها را هم داخل در آن مفهوم وازه کارگر می دانید و آیا وقتی از جنبش کارگری صحبت می کنید مراد معلم ها و پرستارها و مزد بگیران هم هستند؟

محمود صالحی : بله . دقیقا آن ها هم جزو طبقه کارگر هستند فقط با فکر و هوش کار میکنند اما مزد بگیر هستند . این مهم است کسی که نیروی کار خودش را برای بها بفروشد جزو طبقه کارگر است .

- پس تمام این پیشنهاداتی که میکنید مثلا برای صحبت از تشکل های مستقلی که هست ، که هیچ نیازی هم نیست که از جایی اجازه بگیرند اینها را هم می توانیم تعمیم بدهیم و از تجربیات شما و فعالین کارگری می توانیم به مزدبگیران هم بگوییم که این پیشنهاد برای شما هم صدق می کند ؟ و یا اولویت هایی که برای آنها پیشنهاد می کنید چیست ؟ یعنی آنها باید در اولویت برای به دست آوردن چه چیزی تلاش کنند ؟

محمود صالحی : من حتی این حرف را به نیروی انتظامی هم می زنم چون آنها هم جزو طبقه ما است . اصلا نیروی انتظامی چرا به پدران ، مادران و برادران خود حمله می کنید مگر خواست ما غیر از خواسته های انسانی و مشروع چیز دیگری است ؟ ما می گوییم ما حق زندگی کردن در این کشور را داریم یا نه ؟ در زمستان نیروی انتظامی انگلستان برای رسیدن به حقوق اضافه تحصن کردند و در تمام کلانتری ها را بستند . پس نشان می دهد که این ها هم مزد بگیر هستند وقتی مزد بگیر هستند این مشخص است که این ها در خدمت نظام سرمایه داری هستند و نظام سرمایه داری به آنها پول می دهد برای سرکوب خود ما ولی ما می گوییم به این ها که شما هم طبقه ما هستید اگر هم طبقه ما نبودید مزد به شما نمی دادند . معلم ها ، پرستاران و همه کسانی که در بازار نیروی کار خودش را می فروشند جزو طبقه کارگر است . شاید عملا خودش را هیچوقت جزو طبقه کارگر محسوب نکند چون یک چیز بلند بالایی برای خودش دارد ولی ما به این ها می گوییم که شان طبقه کارگر از این بلندتر است که ما عیب و عار داشته باشیم که بگوییم ما کارگریم . چرا نگوییم که ما کارگریم ؟ مگر غیر از این است که تمام این جامعه به دست کارگر ساخته شده ؟ به معلم می گوییم که تو داری فرزندان ما را تربیت می کنی به پرستار می گوییم تو داری از من پرستاری میکنی

-آقای صالحی خودتان باعث شدید که من یک سؤال هم اضافه کنیم با وجود اینکه ممکن است خسته شده باشید آیا شما هم اعتقاد دارید که کار خانگی زنان هم کفایت می کند تا آنها را جزو کارگران بدانیم ؟ منتها کارگران بدون مزد ؟

محمود صالحی : بله زنان خانه دار کارگران بدون مزد هستند و من اعتقاد دارم به این و من به زنان پیشنهاد می کنم بروند جلوی ارگان ها را بگیرند تا مزدشان را تعیین کنند حتی زنی که در خانه خودش بچه بزرگ می کند باید بهش حق بدهند . اگر همین بچه را به کودکان بفرستند چقدر هزینه دارد برای دولت ؟ دولت باید همین پول را به زنی بدهد که بچه اش را بزرگ میکند بله من اعتقاد دارم به این .

- در این مدت یکسالی که در زندان بودید الان زندانی ها جای خالی شما را احساس میکنند آیا شما تاثیر خاصی روی زندانی ها اعم از معمولی و افراد کادر اداری زندان یا زندانی ها توانستید بگذارید و آیا خودتان این تاثیر را روی آنها دید و اگر بوده در چه زمینه هایی بوده ؟

محمود صالحی : بله کاملا این تاثیر را گذاشتم چون من کاملا رادیکال و ملموس به داخل زندان رفتم . خواسته های ما خواسته های انسانی بودو در داخل زندان هم نابرابری و بی عدالتی موجود است و افرادی که داخل زندان هستند وقتی می بینند که من با کارگرانی که داخل زندان بودند یک اعتصاب راه انداختم ، وقتی این ها را می بینند تاثیر میگیرند . در عرض یک روز من دستمزد کارگران شهردار زندان را افزایش دادم . این ایده من است که رفته به زندان و تا قیامت هم می گویند که محمود صالحی دستمزد ما را افزایش داد . از نظر

آنهایی که انجا هستند و پول مردم را خورده اند اینها فحش میدهند ولی زندانی های عادی می گویند که فلانی این کار را کرد و تاثیر مثبت گذاشتم و آنها هم خوب قبول کردند چون با آنها صحبت کردم و گفتم که خواسته های مانسانی است . اون کسی که در داخل زندان نگهبان من بود خودش نمی توانست بچه اش را به دانشگاه بفرستد او هم وام گرفته بود تا دخترش ازدواج کند پس او هم با من است .

- امیدوارم ما هم شما را همیشه بیرون از زندان ببینیم که تاثیر بیشتری بتوانید بگذارید .

اول ماه مه نزدیک است شما حرفی در این رابطه ندارید ؟

محمود صالحی: ما پارسال اول ماه مه را در زندان گرفتیم. این جمع شدن در ایران جرم محسوب میشود حتی مثلا کسی که شکلات پخش کرده بود را گرفتند و حبس کردند ولی با توجه به اینکه ما آنجا مراسم گذاشتیم و مراسم ما را به هم زدند ولی ما کار زیادی کردیم داخل زندان و همان نیرو به یک سال حبس محکوم شد. طبقه کارگر باید قطعنامه خود را صادر کند و اعتراضات خود را در اول ماه مه گسترده تر کند. چون بورژوازی در تمام دنیا از روز جهانی کارگر می ترسند همین آمدن کارگران به خیابان ها مشخص میکند که هستند و خواسته دارند و خواسته هایشان رو به سیستم است. من می خواهم که طبقه کارگر محکم تر و مستحکمتر به خیابان بیایند تا ما حداقل اول ماه مه را مشروعیت بدهیم که این حق مشروع ما است که باید مراسم داشته باشیم و راه پیمایی کنیم و خواسته هایمان را بگوییم و رسماً در آن روز مبارزه خواهیم کرد !

- خانم صالح زاده ! در طول این یک سالی که شوهرتان در زندان بودند شما فشارهای خاصی را تحمل کردید در این مدت کدام حرکت ، چه چیز خاصی بود که در ذهنتان ماند و احساس میکنید که آدم خاص با حرکت خاصی به شما دلگرمی داد ؟

نجیبه صالح زاده : چیزیکه من را خوشحال میکرد حرف های محمود در زندان بود. باتماسهای تلفنی که با هم داشتیم حرفهای او به من دلگرمی میداد و اعتراض های دوستان در داخل و خارج از کشور و همبستگی هایی که دانشجویان با من داشتند و نامه هایی که از طریق رسانه ها می شنیدیم که از محمود پشتیبانی میکنند ، باعث دلگرمی می شد که بتوانیم این یک سال زندان را با این روحیه تحمل کنیم و تمام کنیم. این ها به من قوت قلب می داد .

- خانم صالح زاده آیا به عنوان آخرین مطلب مایلید چیزی را اضافه کنید؟

نجیبه صالح زاده : باتشکر از شما عزیزان و کسانی که همیشه در صحنه هستند ، فقط میخواهم این را بگویم به خانواده ها که اگر مثلا خانم ها شوهرانشان را زندانی کردند، پشت شوهر هاشون را خالی نکنند و پشتوانه همسرشان باشند و این باعث میشود که در زندان و در راهی که میخواهند قدم بردارند پشتوانه باشد .

- آقای محمود صالحی ! ما تشکر می کنیم از اینکه وقت خودتان را به ما دادید و امید به بهبودی شما داریم. اگر مطلبی هست لطفا بفرمایید.

محمود صالحی : من مطلبی ندارم و فقط برای شما و همه ی فعالان آرزوی موفقیت در این مبارزه را دارم و می گویم که باید برای این مبارزه هزینه داد و ما این هزینه را میدهیم و باید فقط ببینیم که ما میخواهیم به یک چیز خوب برسیم و به چیزهای کوچک اکتفا نکنیم و فقط باید دنبال هدفی باشیم که در نظر داریم به آن برسیم.

(گفت و گو از : علیرضا عسگری و مجید ملکی - اردیبهشت ۸۷)